

تحلیل گفتمان انتقادی فیلم مرد پولادین با تکیه بر مباحث متافیزیکی پارادایم ترنس مدرنیسم

مهدی یعقوبی^۱ / علی اکبر فرهنگی^۲ / سیدجمال‌الدین طبیبی^۳

تاریخ دریافت مقاله: اردیبهشت ۹۷ تاریخ پذیرش نهایی: خرداد ۹۷

چکیده

در قرن بیست و یکم سینما به عنوان هنر هفتم همچنان نقشی تاثیرگذار در انتقال پیام ایفا می‌کند. هم‌نشینی پارادایم‌های علمی و هنر سبب مشارکت این دو در روند تولید محتوی و انتقال مفاهیمی گشته که ارتباطی چند سویه با هر دو زمینه دارند. در این میان پیوند سینما با پارادایم‌های غالب در هر دوره زمانی به مثابه منبع تولید محتوی کارا با قابلیت‌های ویژه در تولید و بازنمایی مفاهیم، مورد توجه همگان واقع شده و مخاطبان بسیاری را مجذوب خویش ساخته است. در این پژوهش، نگارنده به دنبال بازنمایی نشانه‌های متافیزیکی پارادایم جدید ترنس مدرنیسم در فیلم "مرد پولادین" ساخته زک اسنایدر می‌باشد. در این راستا جستجوی عناصر متافیزیکی و کشف لایه‌های معنایی وایدئولوژیک پنهانی در فیلم، با استناد به نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف با رویکرد پدام صورت گرفته است. روش انجام این پژوهش برای جمع آوری مفاهیم متافیزیکی پارادایم ترنس مدرن توصیفی - تحلیلی بوده است. نگارنده با تحلیل گفتمان فیلم به این نتیجه رسید که گفتمان متافیزیکی بازنمایی شده در فیلم مرد پولادین نمایانگر گفتمان پارادایم جدید ترنس مدرن است. البته شیوه‌های گفتمانی مثل اسطوره، منجی، آینده، بیانگر بخش از گفتمان حاکم بر فیلم است که نمی‌توان آنها را گفتمان‌های حاکم دانست. یافته‌های تحقیق بیان گر مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار مربوط به بوجود آمدن عرصه‌ای جدیدی در هزاره سوم برای بشر با رویکرد پارادایم ترنس مدرن و تاثیر آن بر سینمای هالیوود می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: پارادایم ترنس مدرنیسم، فیلم مرد پولادین، تحلیل گفتمان انتقادی، متافیزیک.

۱- دانشجوی دکتری گروه مدیریت رسانه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲- استاد گروه مدیریت رسانه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: a.farhangi@srbiau.ac.ir
۳- استاد گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

مفاهیم متافیزیکی یا فوق حسی با هر رویکرد ایدئولوژیکی که باشند و از طریق هر رسانه‌ای که بازنمایی شوند، غالباً فرض‌هایی درباره جهان هستی و چگونگی ادراک و معنای آن به مخاطب القاء می‌کنند. متن فیلم‌های بزرگ را می‌توان بیانیه‌هایی قلمداد کرد که بیانگر تعابیر خاصی از جهان معاصر، مشکلات پیش رو و راه حل‌های آنها و با رویکردهای اسطوره، منجی، آینده و آخر الزمان عرضه می‌شود. سینمای هالیوود بعنوان یکی از تاثیر گذارترین صنایع فرهنگی در دنیا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های درام و جذابیت سینما این نقش را ایفا می‌کند. تا بحال با تمرکز بر کیفیت بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخیل و سویه‌ای اسطوره‌ای درام که ابزار همیشگی سینما بوده به جنبه‌های متافیزیکی سینما پرداخته شده است. ثمره این ماجرا این بوده که مخاطبان خود را برای درک جهان خارج از رجوع به خود واقعیت بی نیاز فرض می‌کنند و همه چیز را نه آن گونه که هست بلکه آن گونه که بر پرده سینما به تصویر کشیده شده، در می‌یابند. سینما با برجسته کردن ویژگی‌های مثبت و یا منفی برای افراد، تصویری عمومی از مفاهیم را برای سیستم فکری حاکم بر جامعه باز تولید و در مقیاس کلان تکثیر می‌کند. فرض نگارنده این است که فیلم‌های متافیزیکی سینمای هالیوود تصویری هدفمند از واقعیت پیش رو و نه تخیل، در ارتباط با متن اجتماعی و فرایندهای ایدئولوژیک پارادایم جدید ترنس مدرن را به مخاطبان خود القاء می‌کنند. در این راستا نگارنده، روش تحلیل گفتمان انتقادی را به منظور عینیت بخشیدن به بنیان‌های فکری و پارادایمی سازندگان فیلم و یافتن فرایم فیلم "مرد پولادین" را به عنوان مطالعه موردی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

اهداف و سوالات پژوهش

هنر و رسانه متاثر از فکر و اندیشه جهانی است که می‌تواند معانی و راه‌های دیدن جهان را نشان دهد. این

جستار بر آن است تا به واکاوی مفاهیم فوق حسی در مطالعات پارادایم ترنس مدرن و انطباق آن با مفاهیم متافیزیکی مطرح در فیلم "مرد پولادین" بپردازد. این فیلم از جمله فیلم‌های هالیوودی است که بنظر می‌رسد گفتمان متافیزیکی حاکم بر فیلم حاصل دغدغه امتداد پارادایمی و استنباطات فکری و فرایند ایدئولوژیک نرم مطرح در پارادایم ترنس مدرن می‌باشد و رهیافت آن در قالب پرداختن به موضوعات کشف و شهود و تعامل با مقولات ماورایی به منظور آینده‌سازی برای بشر است. بگمان نگارنده این فیلم حاصل دید فراملی و حتی فرا سیاره‌ای این پارادایم است. در کشور ما این مفاهیم فوق حسی علی‌رغم داشتن پتانسیل‌های مذهبی و تاریخی، در قالب فیلم کمتر به نمایش درآمده است و این در حالی است که پیوسته تحت تاثیر حجمه‌های فراوان از سوی این گونه فیلم‌ها هستیم. نگاه نظری و بررسی اجمالی که تحلیل این گونه فیلم‌ها ارائه می‌کنند بیانگر این هست که تم و مایه اصلی این گونه فیلم‌ها مفاهیم متافیزیکی هستند که به اشکال مختلف بازنمایی شده‌اند و توافق عمومی روی بارهای معنایی و مفهومی آنها وجود ندارد. به گفته جان فیسک مخاطبان یک کالای فرهنگی می‌توانند از عین کالا برداشت‌های متفاوتی داشته باشند. وی می‌گوید: «می‌توان صاحب ثروت شد، اما تصاحب معنا و لذت، کار بسیار دشوار است»

پس با آن که کارگردان فیلم خواسته باشد «داستان اسطوره قهرمان» را به نمایش بگذارد، پژوهشگران و نقد نویسان هم نظریات خود را - بدون در نظر داشت دیدگاه کارگردان - دارند، اما سوالی که باقی می‌ماند این است که ادعای کارگردان و نقد نویسان به چه اندازه به واقعیت نزدیک است؟ ضمن این که بایستی اذعان کرد گفتمان اسطوره‌ای به تخیل بیشتر متمایل است تا واقعیت. بعبارت دیگر آیا گفتمان متافیزیکی حاکم بر فیلم بر مبنای گفتمان پارادایم ترنس مدرن استوار است؟ و گفتمان‌های دیگر بخشی بیانگر بخشی از گفتمان حاکم می‌باشد؟ این پژوهش فهم مولفه‌های متافیزیکی پارادایم ترنس مدرن و چگونگی بهره‌گیری

این پژوهش به تحلیل گفتمان فیلم مرد پولادین می‌پردازد که از جمله فیلم‌های روایت‌گر آینده‌ای هولناک و تیره برای بشر است. داستان فیلم در ابتدا به مقابله با مکتب جبرگرایی در تمدن فوق پیشرفته در سیاره در حال فروپاشی می‌پردازد. افرادی که معتقد به آزادی انتخاب هستند ریشه افول تمدن در این سیاره را در اصول جبرگرایی شان می‌دانند. این فیلم تصویرگر جهان افسرده دنیای هزاره سوم همراه با فضاسازی‌های مبهم در میان معماری و سازه‌های متفاوت می‌باشد. آینده‌سازی که در بسیاری از بلاک باسترهای مشابه مشاهده می‌شود؛ ساخت تمدنی بر اساس الگوی ترنس مدرن که تصویرگر زندگی مشترک و بظاهر مسالمت‌آمیز میان انسان و سازه‌های انسان نما می‌باشد.

انتخاب فیلم "مرد پولادین" بعنوان موضوع مطالعه از آن جهت اهمیت دارد که به ارائه شکلی متافیزیکی از اعتقادات معنوی می‌پردازد. این فیلم، در دراز مدت می‌تواند نگرش و گرایش را به ادیان آسمانی را به چالش بکشد و بی آن که انگ ضد دینی بخود بزند، در واقع مقوله‌های متافیزیکی بخاطر جذاب بودنشان در فضای معنوی خود ساخته نسبت به روابط درونی پدیده‌های خدا شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و بسیاری از مقولات ماورایی دیگر، موضع ایدئولوژیک می‌گیرد و به مخاطبان این را القا کند که "تنها راهی که می‌توانی بفهمی قدرتت چقدر می‌باشد این است که محدودیت‌ها را رو تست کنی".

روش پژوهش

سینمای معاصر به منزله ابزاری برای بیان خواسته‌ها و عقاید و در راستای تزریق بار فرهنگی مد نظر یا ارائه چشم‌انداز یا اجرای سناریوهایی از پیش طراحی شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد سینمای متافیزیک و فضای پارادایمی حاکم بر آن در راستای ارائه چشم‌اندازی از آن چه مطلوب قدرت‌های هالیوودی است از تصویرسازی‌های سینما بی‌بهره نبوده است. در سینمای تصویر پرداز متافیزیک از تصویرسازی‌های

و ترکیب شاخصه‌های آن برای ارائه معنای مرجح فیلم به عنوان فیلمی با گفتمان پارادایم ترنس مدرن را در دستور کار خود دارد.

چارچوب نظری

تصویر سینما از مفاهیم متافیزیک بمنزله درختی است که ریشه در گذشته دارد و برای تحلیل آن ناگزیر باید به شناخت ریشه‌های فکری آن پرداخت. در واقع مفاهیم متافیزیک در حیطه اندیشه، ذهن و احساسات بشر جای دارند. شناخت درست این مفاهیم و معنای حقیقی و پنهان در آنها معرف عقاید، افکار فلسفی و رویاها و تجربیات روانی - اجتماعی انسان‌هاست. تحول در این مفاهیم، معرف تحول شکل زندگی، دگرگونی ساختارهای اجتماعی و تحول اندیشه و دانش است.

پارادایم ترنس مدرن یا ترانوگرایی یک جنبش فرهنگی - فلسفی است که ابتدا توسط ماریا رودریگز در یکی از مقالاتش مطرح گردید. در این پارادایم سنت و مدرنیته در کنار همدیگر قرار دارند. این پارادایم تفکری است که به دنبال ترکیب بهترین واقعیت‌های پیشا مدرن، مدرن و پست‌مدرن است. ترنس‌مدرن به نظر می‌رسد که تا اندازه‌ای تحت تأثیر فعالیت‌های سری و رازآلود برخاسته از دوران رنسانس است.

پارادایم ترنس مدرنیسم پایه‌های مدرنیسمی و پست مدرنیسمی را هم چنان حفظ کرده است و سرعت در حال ریشه دواندن و اعلام استقلال است. سبک و سیاق این پارادایم تصویر ذهنی‌اینده بشری را بگونه‌ای متفاوت ساخت و پرداخت می‌کند و نظم نوین جهانی جدیدی را به تصویر می‌کشد که گریز ناپذیر و تفکیک شده است و تنها راه نجات و حیات بشر را "کشف و شهود همراه با کارکرد منطقی ذهن بر می‌شمارد. ترنس مدرن الگوی انتقادی در حال توسعه بر اساس پارادایم‌های مدرنیسم و پست مدرنیسم است و دنبال ایجاد حالت تعادل میان سنت، طبیعت و جامعه مدرن است. به نمایش گذاردن معنویتی فردی و لجام گسیخته بدون توجه به الهی بودن آن، از جمله اهداف این پارادایم است.

واقع شده است. محتوای گفتمان، نقش و کارکرد اجتماعی متن و نقش آن در فرهنگ و دانش اجتماعی فرهنگی مخاطب و سرانجام ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و حتی تاریخی، در برگزیده متن از جمله ساختارهای کلانی هستند که شکل دهنده این عمیق ترین لایه متن یعنی «عمق - عمق» محسوب می شوند.

«سطح عمق»، «عمق سطح»، «سطح سطح» به سه شکل در این روش سه مرحله محور اساسی زیر مطرح شده‌اند: ۱- برداشت از اصل متن، ۲- جهت‌گیری و گرایش متن، ۳- تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن. به عبارت دیگر، متن به عنوان یکی از بخش‌های اصلی تحلیل باید مورد توجه و مطالعه جدی قرار گیرد. در مرحله بعد، جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های متن به شکل جزئی و کلی و با توجه به لایه‌های سطحی و عمیق متن در سطوح مختلف مورد توجه، مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

در این شیوه تحلیل شامل دو مرحله است: مرحله عمیق و مرحله «عمق عمق» مرحله عمیق‌تر که اولی برای مرحله نسبتاً کلان «عمق عمق» و دومی برای مرحله کاملاً کلان متکی بر ساختارها و اطلاعات مرتبط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی و تاریخی طراحی شده است.

ادبیات پژوهش

سینما یکی از وسایل ارتباطی است که با وجود عمر کوتاه صد ساله به سبب جذابیت‌های خاص به سرعت جای خود را در زندگی مردم باز کرد. این رسانه همواره بیش از وسیله سرگرمی بوده است؛ زیرا فیلم‌ها نقش به‌سزایی را در شکل‌گیری فرهنگ برعهده داشته‌اند. هدف از ساخت فیلم بیان مقاصد گوناگون انحرافی، آموزشی، اطلاعاتی، و تفریحی یا بیان پیام‌های اجتماعی و سیاسی است؛ هر یک از این مقاصد به گونه‌ای پنهان ارزش‌ها و نگرش‌های افراد را تغییر می‌دهد. فیلم مرد پولادین یکی از گونه فیلم‌هایی است که ماهیت و کیفیت مفاهیم فوق حسی را به تصویر

اسطوره‌ای استفاده زیادی شده است. روش پژوهش در این مطالعه بر شیوه «تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد پدام» فیلمی اسطوره‌ای در فضای متافیزیکی یعنی «مرد پولادین» استوار بوده است. برای گزینش فیلم، با بهره‌گیری از نظر اساتید، یکی از فیلم‌هایی که در مضمون فوق حسی به تصویر درآمده انتخاب شده است. در این پژوهش، نگارنده با خوانشی انتقادی به دنبال شناسایی و مطابقت نشانه‌های متافیزیکی در گفتمان‌های موجود در فیلم «مرد پولادین» بر اساس پارادایم ترنس مدرن باشند و این که رد پای مفاهیم متافیزیکی این پارادایم در این اثر گفتمان غالب بوده است؟

تحلیل گفتمان عناصر داستانی، با استناد به نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف با رویکرد پدام در پنج سطح توصیف، تفسیر و تبیین صورت گرفته است. برای توصیف و فهم الگی متافیزیکی پارادایم ترنس مدرن در مرحله نخست از روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، بهره برده شده است که در نگاره ۱ گردآوری شده است.

روش عملیاتی تحلیل گفتمان

مراحل فرایند روش پدام، شباهت‌هایی با روش فرکلاف دارد. همانگونه که فرکلاف تأکید دارد روش تحلیل گفتمان بر سه مرحله «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» تأکید می‌کند، روش پدام نیز در تلاش است که این مراحل را با توجه به پنج سطح تحلیل که عبارتند از «سطح سطح»، «عمق سطح»، «سطح عمق»، «سطح عمق»، «عمیق‌تر» مورد توجه قرار دهد. در «سطح سطح» یا فوقانی ترین لایه متن، ساختار بیرونی و شکل بیان یا نمود گفتمان را می‌توان جست‌وجو کرد. «عمق سطح» عمیق‌ترین لایه سطحی متن است و ساختار درونی یا محتوای بیان را دربردارد. در «سطح - عمق» یعنی فوقانی‌ترین سطح از عمق محتوای مشخص متن قرار دارد. انتخاب حوادث داستانی یا خبری یا موضوع مطرح شده در متن و دلیل این انتخاب در این لایه از متن واقع شده است. در آخرین یا عمیق‌ترین لایه، یک متن ساختارهای کلان

پیوسته در حال دگرگونی‌های بنیادین است، بیش از هر زمانی به روح اسطوره قهرمانی نیاز دارد. زیرا، اسطوره قهرمان به وضوح دارای جاذبه‌ای شگفت‌انگیز و اهمیت روانی فوق‌العاده عمیق است. اسطوره‌ها نماد انسان‌هایی شده‌اند که توجه ما را به مفاهیم، این‌ها و باورهای دیرین بشری جلب کرده‌اند. بعبارتی دیگر تبیین‌کننده ارزش‌های اجتماعی، تاریخی، هویتی و ملی بشریت شده‌اند. به نظر نگارنده اسطوره‌ها آمیزه‌های ذهنی هستند که با ریشه گرفتن از منظومه فکری پارادایمی، معرف تحول شکل زندگی، تجربیات روانی - اجتماعی، و تحول اندیشه و دانش می‌باشند و بگونه‌ای باورپذیر، هدایت‌کننده حافظه جمعی شده‌اند و بنوعی زبان بیان تمدن اکنون بشر را بعهدہ گرفته است.

ترنس مدرنیسم موج پارادایمی جدیدی است که در حال پیشروی در قلمرو مفاهیم متافیزیک امروز سینمای هالیوود شده است.

سیر تکوین مفاهیم متافیزیکی سینما حاصل تاثیرپذیری از سه پارادایم مدرنیته، پست‌مدرنیته و ترنس‌مدرنیته (سه‌گانه دیالکتیک: تز، آنتی‌تز و سنتز) می‌باشند. براساس این تز می‌توان گفت حقیقت نه در تز و نه در آنتی‌تز، بلکه در ترکیبی از این دو پیدا می‌شود. لذا جامع‌ترین نوع این مفاهیم را می‌توان در تصویرپردازی برپایه پارادایم ترنس مدرن دانست. بنابر تفکر این پارادایم، این مدل مفاهیم متافیزیک شجره نامه‌هایی از اندیشه و معنویات زندگی بشر می‌باشند که قابلیت این را دارند که گفتگوی بین فرهنگی معتبری را فراهم آورند از اینرو می‌توانند ظرفیت گسترده‌ای برای ذخیره و حفظ ابداعات فرهنگی برای بقا بشریت را بوجود آورند. در این میان ترنس‌مدرنیته و فضای آن را دارای توانایی بالقوه و مثبتی است که می‌تواند با اصول و انگاره‌هایش در مورد دغدغه‌های جهان یا همان‌اینده بشر پلی ارتباطی بوجود آورد. این که چگونه بتوانیم این مفاهیم را که مغز و جوهر اندیشه شهودی هستند را به حال بشر امروز گره بزیم مهم‌ترین مسئله این پارادایم است.

می‌کشد و این مفاهیم فارغ از محدودیت‌های زمانی و مرزهای جغرافیایی می‌باشد- زیرا که مفاهیم متافیزیکی در فیلم در قالب فرا بشری با شمایل انسانی در میان فضای مدرن و پست مدرن هزاره سوم و در دل قاره آمریکا رخ می‌دهد و به نجات بشر کمک می‌کند. مبانی نظری این پژوهش بر مولفه‌های متافیزیکی پارادایم ترنس مدرن استوار است.

اعتقاد به وجود مقولات فوق حسی در همه اقوام و طوایف بشری جزو فرهنگ قومی، بومی و ملی به شکل این‌ها و رسومات تبلور یافته است. در این میان اساطیر منعکس‌کننده تعلقات و دیدگاه‌های هر جامعه نسبت مباحث متافیزیکی مثل خیر و شر، خدایان و دلاوری‌های قهرمانان و موجودات افسانه‌ای می‌باشند. در این پژوهش منظور از فیلم‌های متافیزیک فیلم‌هایی هستند که در آنها معرفت علمی به حقایق فوق حسی بتصویر کشیده می‌شود. فیلم‌های متافیزیکی و ماوراءالطبیعه، امروزه بگونه‌ای باورپذیر برای مخاطب شده‌اند که گویی هیچ وقت افسانه، جادو و توهم قلمداد نمی‌شدند. اگر روزی این مفاهیم براساس پارادایم مدرنیسم، مقابل حقیقت و در تقابل با عقل و واقعیت قرار می‌گرفت امروز ریشه در پارادایم علمی و فلسفی پیدا کرده است. اکثر قریب به اتفاق این نوع فیلم‌ها دلیل وجود معانی و مفاهیمی است که در نهایت منجر به اعتلای معنویت در مخاطب شود. مفاهیم متافیزیکی در بسیاری از فیلم‌های هالیوودی بحدی تاثیرگذار شده‌اند که فراتر از یک فرهنگ و جامعه‌ای خاص قلمداد می‌شوند. باید پذیرفت که ایدئولوژی‌ها، تئوری‌ها یا هر پیام دیگری همواره در فیلم‌ها کدگذاری می‌شوند به این امید که مخاطبان، آن پیغام‌ها را دریافت کنند چرا که فیلم‌سازان نویسندگانی هستند که برای خلق تمناهای ذهنی خود مدیوم سینما را بهترین گزینه جان بخشیدن اثر هنری خود به حساب می‌آورند. در این میان نیاز به استفاده از ابزاری بنام اسطوره، می‌تواند بر جذابیت این مفاهیم و باورپذیری آن به لحاظ ریشه داشتن در باورهای دیرین هر جامعه و قومی بسیار موثر واقع شود. بشر امروز به واسطه زیست در جهانی که

پارادایم ترنس مدرنیسم

مفهوم ترنس مدرنیته یک تئوری بسیار پیچیده است که در ابتدا توسط گیشی به‌عنوان مسیری فراتر از پست مدرنیسم و نظم جدیدی بنام دنیای ترنس مدرن مطرح گردید. پارادایم ترنس مدرن تفکری در حال پدید آمدن است که امید می‌رود تا نیازهای بشر را مرتفع ساخته و چشم‌انداز جدید احیاءشده‌ای را به وجود آورد. «وقتی به روند تکامل انسانی می‌نگریم و روند فعلی تغییرات بشری را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم مشاهده می‌شود که بشریت در مسیر تکامل خود نیازمند تغییراتی است که این تغییرات چون به صورت عمده در تمامی شئون زندگی از قبیل سیاست، علم، مذهب و پارادایم‌های فلسفی است به عنوان تغییر پارادایم از مدرنیسم به ترنس مدرنیسم شناخته می‌شود. ترنس مدرنیسم به مانند یک چتر تغییرات فلسفی و سیاسی و اخلاقی و اقتصادی در حال وقوع را در ذیل خود جمع آورده است. بر اساس نتایج نظرسنجی انجام شده در سراسر جهان، بشر امروز شاهد ظهور یک پارادایم جدید و تغییر آگاهی جهانی است. از جمله موارد مهمی که مدعای این تغییرات در دنیای امروز بشر عنوان شد موضوع ارزش‌های اجتماعی در حال ظهور بود. این تغییرات بعنوان ترنس مدرنیسم از بسیاری از جنبش‌های فلسفی تأثیر می‌پذیرد. می‌توان گفت تأکید آن بر معنویت از بسیاری از جنبش‌های عرفانی و رازآمیز در طول دوران رنسانس و ماقبل آن یعنی یونان باستان، تأثیر پذیرفته است. علاوه بر این، این جنبش از فلسفه ماوراءالطبیعه تأثیر پذیرفته و از چهره‌های مختلف اواسط قرن نوزدهم در آمریکا که مشهورترین آنها «رالف والدو امرسون» است، ایده برداری می‌کند.

ترنس مدرنیسم پارادایمی است که ریشه در پارادایم‌های قبلی خود پیشامدرن، مدرن و پست مدرن دارد و تلاش می‌کند با بهره‌گیری از بهترین‌های این پارادایم‌ها به منظومه فکری خود سامان بخشد. مبانی فکری این پارادایم ریشه در جریان فلسفه غرب دارد باین معنا که مستقلاً و با ترکیبی از ترکیب عقل و شهود ذهنی به تعالی زندگی آینده بشر و تمدن آینده دامن بزند. بشر

خود می‌خواهد منجی خودش باشد فلذا نیاز به اسطوره انسانی دارد. انسان به توان خویش پی برده و می‌داند که تکنولوژی تا حدی می‌تواند جوابگوی مسائل مبتلا به بشری باشد. تکنولوژی می‌تواند بخش از تمدن آینده بشر را رقم زند اما حل مشکلات بشری نیاز به توان و نیرویی خاص و ویژه دارد که نیازمند شهود می‌باشد. این تفکر منبعث از عمده‌ترین مکتب فکری حاکم بر سینمای امروز غرب در قالب موجود فرابشری و اسطوره‌ای بویژه در فیلم‌های متافیزیکی سینمای هالیوود بصورت منجی بشر آینده ترسیم شده است. در این روایت فیلم‌های متافیزیکی هالیوود، شخصیت داستان است به قهرمان تبدیل شده و ما را به همزاد پنداری با خود وا می‌دارد. از اینرو نوعی انعطاف در درک و نسبی‌گرایی در مواجهه با جهان را پیشنهاد می‌کند.

این تفکر در گام نخست با ترسیم فضایی اسطوره‌ای و باستانی در پی تصویرسازی و مقایسه رفتارها و اشتراکات میان گذشته بر فضای غیرطبیعی و حال مبتنی بر فضای طبیعی است و باین عمل نوعی مقایسه بین تحولات و ریشه‌های رخداد آنها بین گذشته و دنیای مدرن امروز را انجام می‌دهد. در مورد پارادایم ترنس مدرنیسم تعریف زیر بیان شده است:

– شیوه‌ای از تفکر که ترکیبی از شهود و معنویت همراه با کارکرد منطقی ذهن است.

– تفکری است که به دنبال ترکیب بهترین واقعیت‌های پیشا مدرن، مدرن و پست‌مدرن است. ترنس مدرن به نظر می‌رسد که تا اندازه‌ای تحت تأثیر فعالیت‌های سری و رازآلود برخاسته از دوران رنسانس است.

نکته این که منظور از معنویت در جنبش فکری یا پارادایم ترنس مدرنیسم بمعنای تلاش فرد در رابطه با یافتن جواب نهایی به سوالاتی در مورد درک از زندگی، مفاهیم و معانی مرتبط با امور مقدس یا متعالی می‌باشد.

این پارادایم می‌کوشد تا از رخدادهای متافیزیک و ماوراءالطبیعه که در پیرامون دنیای رخ می‌دهد استفاده کرده و ریشه آنها را در بین اسطوره‌ها و افسانه‌ها و

شامل دارد و هرگونه ارتباط با ماورای مادی را خواه از طریق دین و مذهب و خواه از هر طریق دیگر را شامل می‌شود. در واقع، دین و معنویت در این نگاه لزوماً به یک معنا نیستند؛ بلکه با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. دین یا مذهب، رویکردی انحصاری و متن محور دارد و عموماً نسبت به سایر جهانبینی‌ها و نظام‌های فکری، بسته عمل می‌کند. ضمن آن که، بخش عمیق هر دینی، بعد معنوی آن است. ترنس مدرنیسم تلاش می‌کند این نوع معنویت عام را مینا قرار دهد و از این طریق از مدرنیسم عبور می‌کند، اما پیشرفت‌های علمی و دستاوردهای انقلاب فناوری و دوران روشنگری را رد نمی‌کند؛ در عین حال، این به معنای پذیرش پست مدرنیسم (که در آن همه ارزش‌ها و دیدگاه‌ها شکلی کاملاً نسبی به خود می‌گیرد و هر گونه حقیقت نفی می‌شود) یا پیشامدرنیسم (که ناظر بر حاکمیت روابط فئودال است) نمی‌باشد.

از دیدگاه نظری، ترنس مدرنیسم یک الگوی منتقد برای مدرنیسم و پست مدرنیسم محسوب می‌شود که از خارج از سیستم و جامعه غربی به آن نگاه می‌کند و به دنبال یک حالت تعادل میان سنت، طبیعت و جامعه مدرن است که به صورت حفظ ارزش‌های خوب آنها بتواند یک جایگزین برای مدرنیسم ارائه دهد. تغییرات اقلیم و آب و هوا، بحران جهانی مالی، حمله اتمی از مهم‌ترین چالش‌های دنیای مدرن در عصر امروز است و این بحران‌ها ما را بر آن می‌دارد تا به دنبال یک جایگزین برای مدرنیسم باشیم.

در جدول ذیل مولفه‌ها استخراج شده از متون علمی مرتبط با این پارادایم با جزئیات دقیق تر آورده شده است. (نگاره ۱)

جمع‌آوری و تحلیل یافته‌ها

نگاهی به فیلم «مرد پولادین»

یکی از دلایل اصلی انتخاب فیلم مرد پولادین بعنوان مطالعه موردی، فضا سازی و تصاویر سیاره کریپتان خانه یک تمدن فوق پیشرفته است که قرن‌هاست به مکتب جبرگرایی پایبند است. اما این سیاره به دلیل ناپایداری هسته مرکزی سیاره در حال فروپاشیست و لحظات آخر

مباحث متافیزیکی که بنوعی افسانه قلمداد می‌شوند، رمزگشایی و چهره علمی به آنها بدهد. علمی که بشر امروزی دنبال کشف و آن است و بنظر می‌رسد بایستی برای رسیدن و دست‌یابی آن از شهود خود یعنی رفتن و ارتباط با موجودات و دنیاهایی غیر از زمین بهره گیرد. ترنس مدرنیسم اگرچه می‌کوشد تجمیع مدرنیته، پسامدرن، وسنت‌گرایی باشد اما به واقع میان این پارادایم‌ها سرگردان است؛ زیرا به لحاظ متدولوژیک از روش‌های مدرن سود می‌جوید و اساس خود را بر خود بنیادی خرد جزئی بشری قرار داده است؛ یعنی مفهومی که مدرنیته، علم آن را به دوش می‌کشد و از سوی دیگر برای تعالی او و برون رفت از بحران‌های پارادایم‌های خود ساخته بشری دست به دامان کشف و شهود شده است. انسان مدرن با جدایی از ادیان سنتی (الهی و غیر الهی) خود، آرامش خود را نیز از دست داده است و بنابراین باید گونه‌ای از این بشری را به جای آن بنشانند. پارادایم ترنس مدرنیسم از بعد کشف و شهود، ریشه در سنت دارد و تلاش می‌کند تا به قویترین حوزه‌های فکری بشر امروز تبدیل شود. از طرف دیگر این سنخ از تفکر شهودی، از ابتدای ظهور آن تا به امروز، به شدت در معرض تفکرات یونان و مصر باستان و برخی از حوزه‌های تفکری شرق دور نیز قرار داشته و دارد.

مؤلفه‌های متافیزیکی پارادایم ترنس مدرنیسم

از اواخر قرن نوزدهم مدرنیته کردن ملت‌ها به بهانه پیشرفت و توسعه شروع شد. مدرنیته کردن ملت‌ها به معنی تبدیل آنها از جوامع سنتی مبتنی بر کشاورزی به جوامعی که به رشد اقتصادی، علمی و فناورانه توجه دارند، بود. نتیجه این تغییر، تغییر در ارزش‌ها از شکل سنتی به شکل سکولار آن است. مدرنیته یک نگاه نژادپرستانه است. مدرنیته کردن در دنیای امروزی به معنی غربی کردن ملت‌ها و فرهنگ‌ها می‌باشد و به نوعی نابود کردن تمدن‌های قدیمی خاورمیانه و آفریقا را در دستور کار خود دارد.

توجه به معنویت، از مؤلفه‌های اصلی ترنس مدرنیسم است. البته معنویت در این نگاه، معنایی بسیار عام و

و در میان مردم بطور ناشناس تنها زندگی می‌کند و مردم را کمک می‌کند. تا این که بالاخره پی به حقیقت میدا و هویت خود می‌برد. اما این زمان مصادف می‌شود با ورود ژنرال‌زاد به زمین. زاد کودکس را از کلارک مطالبه می‌کند و قصدش ایجاد تمدنی جدید با کمک کودکس بر اساس فرهنگ کریپتان بر روی زمین است. اما در این راستا او قصد دارد زمین را فدای این کار خود کند. کلارک، یا همان سوپرمن، به دفاع از زمین بر می‌خیزد و فیلم تا انتها نبرد میان کلارک و زاد را به تصویر می‌کشد. در نهایت زاد مغلوب می‌شود اما کلارک نیز مجبور می‌شود که هم‌چنان در غیبت زندگی کند و بطور مخفی به زندگانی خود ادامه دهد تا روزی که بشر آمادگی ظهورش را داشته باشد. (نگاره ۲)

تحلیل سطح چهارم (عمیق)

مرحله ی عمیق تحلیل ناظر به نوعی تفسیر از سطح سوم تحلیل و تعیین رویکردهای مشابه و متفاوت در این ستون (تحلیل توجیهی) است. در این مرحله با توجه به نتایج بدست آمده، تفسیر کلی مربوط به آنها تحت عناوین یا واژه‌های کلان‌تر که نوعی از رویکرد کلان را ترسیم می‌کند، انجام می‌گیرد. در حقیقت آنچه که در این مرحله اتفاق می‌افتد، ایجاد رابطه میان دال‌های بدست آمده با گفتمان‌های موجود و بینامتنیت‌هایی است که می‌توان با دال‌های مزبور مفصل‌بندی کرد. به همین دلیل آنچه که حاصل می‌شود، تحت یک عنوان کلی می‌آید. این عناوین کلی، گویای یک رویکرد کلی‌تری است که فیلم بدنبال بازنمایی آنهاست. آنچه که در ستون سوم جدول بالا آمده است، میان خود مشترکاتی دارند که بر اساس نوعی از رابطه مفهومی مطرح شده است. که این رابطه مفهومی تداعی‌کننده یک دال بزرگتری است که این دال بزرگتر، خود بر اساس گفتمان‌ها و بینامتنیت‌هایی است که در ذهن نویسنده فیلم نامه شکل گرفته است و در مرحله «عمیق»، به آنها توجه می‌شود و به نحوی مورد کشف قرار می‌گیرند.

خود را سپری می‌کند. ساکنین کریپتان بر سر این که چگونه با این مسئله مقابله کنند در این لحظات آخر با یکدیگر به نزاع برخاسته‌اند. کودتایی انجام می‌شود که در آن ژنرال‌زاد، سعی در تصرف و کنترل اوضاع را دارد. اما دیری نمی‌پاید که کودتایش شکست خورده و محکوم به حبس در یک سیاهچاله می‌گردد. از سوی دیگر جُر-ال که ریاست دیوان عالی آکادمی علوم و دانش کریپتان را بر عهده دارد برای نخستین بار بطور مخفی فرزندی به روش زایش طبیعی به دنیا می‌آورد. او معتقد به آزادی انتخاب است و ریشه افول تمدن کریپتون را در اصول جبرگراییشان می‌داند. نام فرزند پسر خود را کل-ال می‌گذارد. سپس جر-ال در وسط مخصمه کودتا به مرکز زاد و ولد سیاره رفته و پایگاه داده‌های دی ان ای تمدن کریپتان (بنام کودکس) را ربوده، آن را به خانه خود آورده و درون ژن فرزند خود دانلود (مخفی) کرده و نوزاد را سپس در لحظات آخر با یک سفینه نجات راهی مکانی دور دست در عالم (به نام سیاره زمین) می‌کند.

زاد (قبل از دستگیری‌اش) جر-ال را به جرم ربودن کودکس و ارتداد (در تخطی از اصول جبرگرایی) به قتل می‌رساند. مدتی کوتاه سپری می‌شود و سیاره کریپتان بالاخره از هم می‌پاشد و تمدنش دار فانی را وداع می‌کند. اما موج مهیب انفجار کریپتان قفل اسارت ژنرال‌زاد در سیاهچال را شکسته و او همدستانش را آزاد می‌کند؛ و او تصمیم می‌گیرد که بدنبال یافتن کودکس راهی فضا شود تا بلکه تمدن خود را به شیوه‌ای که خود می‌داند از نو در سیاره‌ای دیگر احیا کند.

سفینه حاوی نوزاد (کل-ال) در مزرعه‌ای در کانزاس فرود می‌آید و نوزاد توسط یک زوج مزرعه دار یافت شده و نجات می‌یابد. آنها اسم این فرزند را کلارک می‌گذارند و کلارک توسط همین والدین جدید زمینی‌اش بدور از چشم مردم بزرگ می‌شود. سال‌ها می‌گذرد و کلارک پی به قدرت نهانی خود می‌برد و برای یافتن جواب سوال‌های خود راه سلوک را بر می‌گزیند: بطور ناشناس از شهری به شهری دیگر رفته

گذشته و مدرنیته بمعنای حال می‌تواند موضوع مطالعه علمی و عملی واقع شود. این نوع زندگی نه تنها مختص گذشتگان یا به تعبیر فیلم موجودات بیگانه نیست بلکه در شرایط فعلی و در درون زندگی مدرن نیز در حال رخ دادن است.

بعبارت دیگر تفکر غالب در فیلم همان پارادایم ترنس مدرنی است که بدنبال یافتن ترکیبی از بهترین‌های سنت در پیشامدرن و بهترین‌های تجربیات مدرنیته در قالب منبع انرژی معنوی عمیقا آزاد اندیشانه و ارتباط با ماورا و حقایق فوق حسی که تاکنون برای بشر بصورت لاینحل باقی مانده است، می‌باشد. لذا به دنبال کشف کردن سنت‌ها و حقایق فوق حسی و عقلائی جلوه دادن آنها باشد. این گونه فیلمه در حال تغییر دایقه مخاطب می‌باشند. دیگر کسی را کمتر می‌توان یافت که از مقولات حسی گریزان باشد و نخواهد با این گونه مسائل ارتباط نداشته باشد. علاوه بر این موضوعات بتربیح مرزهای علم بشر یعنی فیزیک را در می‌نوردد و در بسیاری از فیلم‌های مشابه می‌توان نشانه‌های بسیاری از بین رفتن مرزهای فیزیکی و رفتن به ابعاد یا دنیاهای دیگر در این دنیا یافت.

از طرفی دیگر این فیلم می‌خواهد بیان کند که صرفاً نگاه ابزاری به تکنولوژی ما را از رسیدن به حقیقت باز می‌دارد. بعبارت دیگر اگر قائل باشیم که تکنولوژی در مسیر تکامل بشر باعث آسیب‌های فراوانی شده است، جنبه‌ای بنام کشف و شهود در فضای موضوعات متافیزیکی و توان‌های ماوراء الطبیعه در کنار تکنولوژی یا فراتر از تکنولوژی می‌تواند برای تعالی و ارتقاء بشر مورد ملاحظه جدی قرار گیرد.

در جایی از فیلم گفته می‌شود سوپرمن نمادی از بهترین‌های سیاره و دنیای خود می‌باشد و آمده تا با بهترین‌های این دنیا تعامل و همکاری و بعبارتی ارتباط پیدا کند. زمین و انسان زمینی هم‌چنان بعنوان اصل و اساس تفکر در این پارادایم و در فیلم قلمداد می‌شود و حتی پیش‌بینی آینده بشر و نقش موجودات بیگانه در همکاری و تعامل و حتی هدایت بشر ولی با محوریت بشر در فیلم بارها مورد توجه قرار می‌گیرد. بیگانگان

در اینجا به لحاظ اختصار، نگاره ۳ یعنی مرحله عمیق، با توجه به دال‌های کلان‌تر مشترک موارد مرتبط در ستون سوم (تحلیل توجیهی) نگاره ۲ به شکل زیر تهیه شده است. (نگاره ۳)

تحلیل سطح پنجم (عمیق‌تر)

در این سطح همان‌گونه که در فیلم‌های قبلی به آن پرداخته شد، با استفاده از سطح چهارم، مقایسه سلول‌های جدول، فضای کلی گفتمانی فیلم مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این مرحله را می‌توان بر مبنای روش فرکلاف، تبیین و بر اساس روش پدام، مرحله تحلیل عمیق‌تر قلمداد کرد. در این مرحله متن، بینامتن و فرامتن، هم زمان مورد توجه قرار گرفته و تحلیل نهایی ارائه می‌شود.

در نهایت به نوعی از شاخص‌سازی که شیوه‌ای از ارزش‌گذاری است می‌رسیم که به عنوان "استراتژی گفتمانی ترنس مدرنیسم" حاکم بر این فیلم را مشخص می‌کند.

کمبود منبع انرژی بهانه جنگ قدرت و سفر بیگانگان برای یافتن منابع انرژی جدید در عالم هستی می‌باشد. موجوداتی هوشمند و در اوج تکنولوژی که به زمین سفینه‌ای را می‌فرستند آن هم سال‌ها قبل از پیدایش بشر امروزی. موجودی فرا زمینی با قواهایی خاص فرا بشری مثل توان درمانگری، قدرت بدنی بالاتر هم سن و سال‌های خودش فیلم به این می‌پردازد که بشر در این عالم هستی تنها نیست و بایستی با موجودات بیگانه‌ای قدرتمند تعامل و ارتباطی اجباری داشته باشد. عدم تایید پنتاگون علی‌رغم رویت و مواجه شدن با سفینه‌ای متعلق به سیصد هزار سال دال بر پنهان کاری‌هایی است که این بار در قالب فیلم پدیدار شده و هر از چند گاهی در جراید و اخبار این پنهان کاری آشکار می‌شود و جراید و رسانه‌ها نیز از بیان این گونه اخبار منع می‌شوند.

کارگردان در جای جای قصه فیلم می‌خواهد به مخاطب بفهماند که زنجیره بزرگ وجود نه تنها به فراموشی سپرده شد، بلکه یافتن منبع انرژی می‌تواند بعنوان کشف هسته مشترک جریان‌هایی سنت بمعنای

به مسائل جامعه و فرهنگ مدرن از طریق بازگشت جزئی به صور فرهنگی سنتی و اتحاد مجدد با آن به وجود آمده است»

- بوجود آوردن معنویتی منعطف در جهت رشد معنویت سازمان نیافته (بین سنت و ترنس مدرنیته)

- افراد آینده‌گرا کسانی هستند که بدنبال یافتن روزنه‌ای به آینده هستند و این رویکرد را با بازگشت به ریشه‌ها میسر می‌باشد.

- اتصال بشر به فرصت‌های تکاملی پیش رو و یافتن منبع انرژی معنوی عمیقاً آزاد اندیشانه.

- تاکید بر معنویت و علوم ماوراء الطبیعه برخاسته از دوران راز آلود رنسانس بعلاوه ترکیبی از شهود و معنویت همراه با کارکرد منطقی ذهن.

- فلسفه فرا روح و ارتباط فرد بطور شخصی با چیزی که او را خدا می‌نامد.

- تعالی‌گرایی منظور تعامل با مجموعه متنوعی از ایده‌ها و ارزش‌های مدرن، سنت و موجودات نامتعارف و غیرمادی می‌باشد.

- معنویت در جنبش فکری یا پارادایم ترنس مدرنیسم بمعنای تلاش فرد در رابطه با یافتن جواب نهایی به سوالاتی در مورد درک از زندگی، مفاهیم و معانی مرتبط با امور مقدس یا متعالی می‌باشد.

- استفاده از فرهنگ‌های باستانی که دارای پتانسیل کافی بشری برای به وجود آوردن فرهنگ چندگانه که بعد از مدرنیته و کاپیتالیسم می‌باشند.

- جهانی شدن به معنای «عشق سفر به مکان‌های بیگانه، ناشناخته و موجودات بیگانه و مرموز (تعامل بین بشر با موجودات بیگانه و متافیزیک).

- تغییر ذهن جهان با نیاز سنجی و استفاده از ظرفیت‌های معطل (تعاملات بین بشری و تکنولوژی مثل ازدواج کامپیوترها و ...).

- استفاده از شهود بشر به‌مراه کارکرد ذهنی (کشفیات بشر که مبتنی بر عقل بشری می‌باشد منتج به تغییرات چشم‌گیری نشده بلکه سازماندهی تعاملات بشری به بن بست رسیده لذا به همان میزان که نیاز به دلیل و برهان داریم به شهود نیز نیازمندیم.

امروزه مورد وثوق تمامی اقوام و جوامع و ملت‌ها می‌باشد چرا که بیگانگان در همه جای این سیار یعنی زمین حضور یافته‌اند. پارادایم ترنس مدرنیسم اذعان بر این دارد که همه تمدن‌ها نیاز به پذیرش بیگانگان دارند، آن هم به هر صورتی که میسر می‌باشد. این تفکر راه را بسوی تعالی بشر باز می‌کند از دواج و یا ارتباط سوپر من با زنی از نژاد بشر حاکی از بوجود آمدن نسلی التقاطی از بشر و بیگانگان دارد. رد پای تفکر ترنس مدرنیسم در همه جای فیلم دیده می‌شود. بطور مثال سوپر من دارای قدمتی باستانی و حتی فراتر آن است و پارادایم ترنس مدرنیسم معتقد به احترام و پایبندی به این گونه مباحث که از آن به سنت نام می‌برد، می‌باشد. در اغلب سکانس‌های فیلم دیده می‌شود حتی بیگانگان نیز بایستی قوانین بشر را بعنوان محور تعامل و ارتباط با زمینیان بشمار آورند.

بنابراین محورهای اساسی گفتمانی مربوط به فیلم که حاصل تحلیل عمیق‌تر است و به نوعی «تبیین» را بازگو می‌کند به شرح زیر است:

- ترنس مدرنیسم هم‌چنان تکنولوژی محور حتی فراتر از تکنولوژی امروزین بشر در قالب استفاده از تکنولوژی موجودات غیر بشری است

- تمامی ارتباطات غیر وابسته به ریاضیات و علوم، از افسانه‌ها / استعارات و جانب‌داری‌های فرهنگی و سیاسی شکل می‌گیرند.

- رسانه‌های جمعی در جوامع اصالت دارند.

- جهانی شدن به صورت کثرت‌گرایی فرهنگی رخ می‌نماید و با یک جهان به هم پیوسته با تمرکز قدرت مواجه هستیم.

- تکامل ریاضیات به عنوان فرا روایت این دوره به شمار می‌رود. گسترش سایبرنتیک خصوصاً این عصر است. ترنس مدرنیته فرهنگی با مرکزیت چند گانه دارد که اهدافی چون احیاء وحدت در جهان با بکارگیری از کانون‌های چند مرکزی فرهنگی را مد نظر قرار می‌دهد.

- تعامل بین سنت و مدرنیته: تمایل جامعه غرب (به عنوان یک کل) به سوی مفاهیم کهن برای پاسخ‌گویی

اینده را ایفا کند. اسطوره این گونه فیلم‌ها موجودی تمام و کمال نیست، مقدس هم نیست، بلکه نقاط ضعف و قوتی دارد که بایستی برای تعامل با بشر و آینده‌سازی در چارچوب منظومه فکری یا عبارت دیگر پارادایم سیاره‌ای ترنس مدرنیسم ملاحظه شود.

به نظر می‌رسد که این گونه فیلم‌ها بتدریج ژانر علمی-تخیلی را کم رنگ کرده است چرا که به مخاطب این را القا می‌کند تا به حالات متافیزیکی و ماورایی باصطلاح معنوی خود توجه داشته باشد و آن را واقعیتی موجود در زندگی خویش ببیند.

مفاهیم فوق حسی از جمله پدیده‌های اجتماعی مشترک در همه جوامع و ملت‌ها اعم از بومی و ملی هستند که البته اختلافات بسیاری راجع به علل پیدایش، منشا و دیگر مسائل آن وجود دارد؛ و هم‌چنین میزان شناخت اندکی نسبت به این پدیده تاثیرگذار در فرهنگ ایرانی، وجود دارد. اغلب فهم‌هایی که راجع به این مسئله در ایران شده است یا رویکرد افراطی و طردی و یا رویکردی تفریطی و جذبی مخصوصا در چارچوب تصویر و سینما داشته‌اند. در این میان فارغ از نزاع‌های موجود بر سر این پدیده فرهنگی، خلأیی شناختی، بین افراد، دیده می‌شود؛ شناختی که امروز بیشتر از قبل بدان نیازمندیم چرا پدیده فیلم‌های هالیوودی در این عرصه که تنها به دنبال القای فهم خود از این پدیده، و تاثیرات آن بر فرهنگ امروز ایرانیان می‌باشد.

مکتب جدید ترنس مدرنیسم که مدعیان آن اعتقاد دارند پس از پست مدرنیسم پارادایم غالب در غرب می‌باشد معتقد است که بشر امروز بدنبال گفتمان غالب بر پارادایم‌های ما قبل است و بر این اساس بدنبال ارتقاء بشری می‌باشد. بنظر می‌رسد که در این پارادایم حس، بیشتر و سریعتر از واژه‌ها شکل یافته‌اند بنابراین بیشتر بایستی بدنبال مفاهیم بود نه واژه‌ها. زیرا که بدلیل فضای تعاملی بین ماده و ماورای ماده مبدعان این پارادایم هنوز در حال واژه یابی هستند.

پارادایم پست مدرن آمیزه‌ای است از انواع نگرش‌ها و مفاهیم متافیزیکی. اقبال مبدعان این پارادایم نسبت به

- هدایت معنوی همراه با عدم پذیرش یقینیات دینی در سطح جامعه و در سطح فرد.

- همه تمدن‌ها نیازمند پذیرش بیگانگان می‌باشند بهر صورت ممکن و این باعث تعالی بشر می‌شود و این با عدم پذیرش یقینیات دینی میسور می‌باشد.

-بوجود آوردن معنویتی منعطف در جهت رشد معنویت سازمان نیافته (بین سنت و ترنس مدرنیته).

- افراد آینده گرا کسانی هستند که بدنبال یافتن روزه‌ای به‌اینده هستند و این رویکرد را با بازگشت به ریشه‌ها میسر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

ترنس مدرنیسم به کشف و شهود شهرت دارد و در هر حوزه‌ای که رخنه می‌کند تغییر ارزش‌های جامعه بشری که مرکزیت آن تعالی‌گرایی با محوریت رشد فردی می‌باشد را در دستور کار خود قرار می‌دهد. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و رجعت‌دهی نتایج تحلیل به پارادایم ترنس مدرن فهمیده شد که مفاهیمی بدست آمده حاصل نگاه گفتمان متافیزیکی این پارادایم است. تحلیل گفتمان انتقادی فیلم مرد پولادین نشان داد این فیلم بعنوان متن رسانه‌ای هنری، همه مختصات یک اثر ترنس مدرنی را دارا می‌باشد. وجود آشوب در جامعه بشری، وجود اسطوره یا منجی برای حل آشوب، ابزارهای انسانی، تکنولوژیک، ماورایی حل آشوب و آینده ترسیمی پس از آن اذعان بر تفکر پارادایم ترنس مدرن دارد. مباحث فوق حسی در این فیلم حاکی از تغییر نحوه مدیریت جهان بمنظور یافتن مسیری در دنیای پرآشوبی است که جزم اندیشی مدرنیته و التقاط و شکاکیت پست مدرنیته آن را بوجود آورده‌اند تا انسان را از آستانه آشوب و بی‌نظمی به سمت نظم جدید اجتماع سوق دهد. این پارادایم انسان را موجودی سرگردان می‌داند که در تکاپوی یافتن روزه‌ای بمنظور دست‌یابی به آگاهی‌های معنوی و حضور غیر مادی (روحی یا ...) بشر می‌باشد و با استفاده از ترکیب عقل و شهود همراه با کارکرد منطقی ذهن، انسان نقش اصلی در تحولات

طرح مفاهیم متافیزیکی اغلب با چارچوب کشف و شهود بشری و آفرینش و خلق نسخه‌های نوینی از این کشفیات و تلاش در راستای تکوین رمزگان متافیزیک در پیکره فیلم‌های از این قبیل، از جمله این فنون و نگرش‌های نوین به شمار می‌رود. از جمله دلایل حضور متافیزیک در متن آثار سینمایی ترنس مدرن، همسانی بسیاری از مضامین متافیزیکی مطرح در آن با تجارب گوناگون بشری است، با نگاهی ساده می‌توان دریافت که گویی با روایاتی گوناگون از داستانی واحد در این فیلم‌های روبه‌رو هستیم. تسری پیچیدگی‌های زندگی ترنس مدرن بر متن آثار سینمایی به یاری مفاهیم متافیزیکی، از دیگر اهداف میدعان ترنس مدرن از تکوین رمزگان متافیزیکی در این آثار به شمار می‌رود. در ادامه بایستی به انگیزه‌های هنرمند ترنس مدرنیست در بر ساختن قهرمانی ترنس مدرن در برابر اسطوره‌ای اشاره نمود. دیدگاه وی مبنی بر سیطره نداشتن ساختاری نظام‌مند بر دنیای مدرن و پست مدرن و تلاش در راستای جبران مافات به یاری نظام‌های پارادایم ترنس مدرن که خود خالق آن است و نه خداوند. اسطوره عصاره تفکر و اعتقادات بشر و توان‌های ماورایی آن در قالب پارادایم ترنس مدرن قابل تعریف است. این اسطوره قادر می‌باشد تا حدی نیازهای معنوی و مادی بشر امروز را اثناء کند. ترنس مدرن بدنبال جهش معنایی و باورپذیری مفاهیم متافیزیکی است که جلوه آن را نمی‌توان در پارادایم‌های مدرن و پست مدرن یافت. اسطوره نمایان در این فیلم نماینده تفکر پارادایمی است که به نمایندگی از بشر و دیگر موجودات بدنبال یافتن روزنه است تا از فرصت‌های احتمالی تعامل با موجودات ماورایی و قدرت‌های ماورایی در آینده استفاده کند.

نگاره ۱ - مولفه های متافیزیکی پارادایم ترنس مدرنیسم (گردآوری: نگارنده)

| | |
|---|--|
| <p>- ترنس مدرن مدرنیته را تعالی بخشیده به عبارتی مدرنیته «از آستانه آشوب و بی‌نظمی به سمت نظم جدید اجتماع» سوق می‌یابد: خطی نبودن مسیر این پارادایم ها</p> | <p>بیگانه‌دوستی (بیگانه‌پرستی): عشق سفر به مکان‌های خارجی و رازآلود بمنظور تعالی بشر: تعامل با مجموعه متنوعی از ایده‌ها و ارزش‌های مدرن، سنت و موجودات نامتعارف و غیرمادی می‌باشد.</p> |
| <p>- معنویت فردی منظور روانشناسی تعالی فرد و معنویت تعالی فردی به واسطه رویکرد میان‌رشته‌ای (معنویت و فیزیک بوداییست) می‌باشد - معنویات (روح گرایی): فلسفه فرا روح و ارتباط فرد بطور شخصی با چیزی که او را خدا می‌نامد - ادیان های خاص - روانشناسی فراشخصی</p> | <p>ارتباط با طبیعت و عالم هستی (چشم انداز سیاره ای) - ابعاد درونی و معنوی انسان و ارتباط آن با دیگر اشیا و رویدادهای دنیا - تحولات و تغییرات تکنولوژیکی و کشفیات جدید فضایی - یافتن روزه ای از آگاهی های معنوی و حضور غیر مادی (روحی یا ...) برای بشر بمنظور استفاده از فرصتهای تکاملی پیش رو و یافتن منبع انرژی معنوی عمیقاً آزاد اندیشانه (غیر الهی منظور است)</p> |
| <p>- محور ترنس مدرن: گفتگوی بین فرهنگ ها مسیر قدرتمند برای ایجاد صلح - جهان بینی خود ساخته جدید توسط بشر - تعامل همه تمدن ها با بیگانگان برای باز کردن راهی برای تعالی بشر</p> | <p>- تصمیم گیری تعاملی بین افراد: دستورات فرامینی (رییس و مرنوس) در هیچ نوع سازمانی اعم از مذهبی و غیر مذهبی وجود ندارد.</p> |
| <p>حقوق مشترک مردان و زنان و رابطه متعادل بین زن و مرد - اهمیت زنان و مباحث مربوط به زنان بخشی از قالب معنوی مدنظر ترنس مدرن</p> | <p>ترکیبی از شهود و معنویت همراه با کارکرد منطقی ذهن و استفاده از تکنولوژی در تحولات آینده</p> |
| <p>وابستگی متقابل فرهنگها و از بین رفتن تفاوتها و رتبه بندی بین فرهنگها و تامل جهانی بین همه افراد بشری - طلوع فرهنگ یکپارچه - ظهور ارزشهای اجتماعی و فرهنگ های جدید - ارزش های التقاطی یا خلق ارزشهای غیر نسبی. نزدیک تر شدن فرهنگ ها و ادیان نسبت به پارادایمهای دست ساخته بشری: تغییر و ارتقاء فرهنگ</p> | <p>چشم انداز جدید که احیاگر بشر: یافتن هسته مشترک بین ادیان یعنی آشیانه بزرگ وجود هسته مشترک سنت‌های حکمی بزرگ جهان و ادیان پیشامدرن. - رد یقینیات همه مذاهب ادیان ابراهیمی - داشتن هنر به همراه دین (با تعریف خاص) و اخلاقیات - تاکید بر معنویت و علوم ماوراء الطبیعه برخاسته از دوران راز آلود رنسانس - معنویت سازمان نیافته بمعنای مورد وثوق قرار گرفتن شهود فردی</p> |
| <p>ترنس مدرنیسم جامع: بر پایه تفکر یکپارچگی یعنی تنوع بخشیدن به حقایق، هم معنوی و هم مادی و از طرفی توانایی به‌کارگیری نظرات از هر جا و مکانی</p> | <p>- تکیه بر وجدانیات بجای ایمانیات الهی برای ساختن اجتماعی بهتر - کنار گذاشتن تعصبات دینی و پویا دانستن سنت دینی و فرهنگی (بی ثباتی و تغییر آن) - حقیقت امری فردی است</p> |

نگاره ۲ - سه سطح اولیه روش تحلیل گفتمان انتقادی بررسی فیلم مرد پولادین

| سطح عمق | عمق سطح | سطح سطح |
|--|---|--|
| یافتن منبع انرژی هدف بیگانگان | موجوداتی بشکل انسان در اوج تکنولوژی که انرژی سرزمینشان در حال اتمام است | پدر سوپرمن به شورای کریپتونی ها (غیرزمینی ها) پیشنهاد می دهد بدلیل پایان رسیدن منابع انرژی بدنیا انرژی جدیدی باشند |
| تلاش بیگانگان برای ارتباط با بشر(انسانها) | وجود سوپر من در زمین بعنوان موجودی فرازمینی و رشد و نمو او مثل افراد بشر (کودکی تا جوانی و ..) | پدر و مادر سوپر من موجوداتی بظاهر انسان هستند و می‌خواهند فرزندشان را بخاطر آشوب‌های سیاره شان به سیاره ای امن بفرستند که در آن موجوداتی هوشمند بنام انسان وجود دارد. سوپر من در این سیاره خدای انسانها قرار است بشود. |
| توجه به توانایی فراگیری (متافیزیکی) | انسانهایی با قدرت فرا بشری که حتی به سن کودکی هم می تواند وجود داشته باشد | سوپرمن می‌تواند درون بدن انسان های زمینی را ببیند. پدر خوانده سوپرمن از او می خواهد از قوایش حتی برای نجات انسان ها استفاده نکند به سوپرمن می گوید که مردم (انسان ها) چیزی را درک نکنند ازش می ترسند. سوپرمن توان درمان دارد. |
| تعامل بین انسانها و بیگانگان | اثبات وجود بیگانگان نیرومند به شکل کودک در میان انسانها. هدفمند بودن حضور بیگانگان در میان انسانها. | سوپر من از پدرش می پرسد آیا این نیرو را خدا بمن داده؟ پدرش سفینه فضایی موجودات فرازمینی را نشان می دهد و می گوید تو و عناصر این سفینه فضایی متعلق به این دنیا(زمین) نیستید و می گوید خودت بگو که آیا در این جهان هستی ما تنها هستیم؟ تو برای هدف والایی به اینجا فرستاده شده‌ای. و سرانجام روی فرا خواهد رسید که تو انتخاب کنی که آیا مغرورانه می خواهی در مقابل نسل بشر بایستی؟ |
| تلاش برای اثبات وجود بیگانگان حتی قبل از نسل بشر امروزی | بیگانگان از مدت‌ها قبل حتی قبل وجود نژاد بشر در زمین حضور داشته اند | در صحنه ای فیلم نشان داده می شود که سفینه فضایی بیگانگان حدود بیست هزار سال پیش به این سیاره (زمین) آمده است و در زیر یخها مدفون شده و خبرنگار نتیجه می گیرد که فردی که دیده و سفینه مورد نظر منشا کاملا غیر زمینی دارد. پنتاگون این موضوع را تایید نمی کند |
| تاکید بر وجود بیگانگان در بین مردم | رسانه‌های جمعی در جوامع صاحب قدرت هستند | مدیر خبرگزاری می‌گوید من در مورد موجودات بیگانه‌ای که بین ما زندگی می‌کنند چیزی چاپ نمی‌کنم |
| تعامل بین دو نژاد بشر و موجودات بیگانه | موجودات بیگانه خود را جزو افراد بشر می دانند و منجی بشر | پدر سوپر من می گوید بدنیا جایی برای سکونت بوده اند و این سفینه برای شناسایی به زمین ارسال شده بود سالها پیش. آنها تمام ناشناخته ها را کشف کرده اند. به سوپر من می گوید تو همانطور که بخشی از کریپتونی بخشی از زمین هم هستی. تجسمی از بهترین‌های دو دنیا. برای مردم زمین راهنما باش و به آنها امید بده تا آنها به سرنوشت ما که نابود شدیم گرفتار نشوند. |
| تداعی مثبت ایجاد کردن در موردانسانها یا قهرمانان بیگانه | اس: نماد بعنوان خوبی‌ها | نماد بشکل S روی لباس سوپر من به معنای تجسم بارقه های بنیادی ترین باور و پتانسیل وجودی خیلی ها برای تبدیل به خوبی |
| حمایت بیگانگان از بشر و پیش بینی شناسایی و کشف ناشناخته ها | پیش بینی آینده بشر و نقش موجودان بیگانه در همکاری و تعامل و حتی هدایت بشر | ایده ی به جلو حرکت کردن رو به مردم زمین خواهی داد. نسلی پیش از تو خواهند بود. آنها خواهند لغزید. آنها سقوط خواهند کرد و در زمانش وقتی که خورشید طلوع کنه به تو ملحق خواهند شد و در زمانش به آنها کمک خواهی کرد که نا شناخته ها را بشناسند |
| آینده بشر در تعامل با بیگانگان ترسیم می‌شود | دنیا هنوز آماده پذیرش بیگانگان نیست ولی در استانه تحولی قرار داریم | به او اعتماد کرده بودم. چون مطمئن بود که باید صبر کنم. اعتماد کردم که دنیا آماده نیست. تو چی فکر می کنی؟ |
| رسمیت دادن به حضور بیگانگان در تمام زمین | جهانی شدن حضور بیگانگان در سراسر زمین و در بین همه اقوام و جوامع و تاکید بر وجود افرادی بشکل بشر ولی با نژاد بیگانگان | شماها تنها نیستید از سیگنال آر اس اس می آید. شماها تنها نیستید (زبان‌های مختلف و برای تمام مردم دنیا پخش می‌شود بصورت صوتی و تصویری). تلفن منم همین طور. اسم من ژنرال "زاد" هستش. من از دنیایی دورتر از اینجا اومدم. از دریایی از ستاره‌ها گذشتم تا اینجا رسیدم. برای مدتی دنیای شما به یکی از شهروندان ما پناه داده. درخواست دارم تا این مرد رو بهم تحویل بدید. برای دلایل نامعلوم این فرد انتخاب کرده تا موجودیت خودش رو از شما پنهان کنه. سعی کرده شبیه شما باشه. قیافتش شبیه شماست ولی از جنس شما نیست |

| | | | |
|----|---|--|-------------------------|
| ۱۲ | سوپرمن در نوجوانی کتاب افلاطون را می خواند. | کتاب افلاطون نماد حق و حقیقت؛ رساله افلاطون یا الهیات افلاطونی درباره جاودانگی روح که تاکید بر دورکردن فلسفه از صیغه دینی و الهی | بشرسالاری یا اومانیسم |
| ۱۳ | پدر سوپر من باو می گوید: یه روزی، وقتی زمان درستش فرا رسید می تونی پُلی بین دو نژاد باشی. علاوه براین او عاشق زنی از جنس زمین می شود. | ازدواج با بیگانگان بعنوان پل بین دو نژاد | تغییر سنخیت و جنسیت بشر |

نگاره ۳ - تحلیل سطح چهارم (عمیق) فیلم مرد پولادین

| ردیف | دال مرکزی | موارد مرتبط تحلیل توجیهی از جدول بالا |
|------|---|---------------------------------------|
| ۱ | یافتن منبع انرژی هدف بیگانگان | ۱ |
| ۲ | توجه به توانهای فرابشری (متافیزیکی) | ۳،۴ |
| ۳ | تلاش برای اثبات وجود بیگانگان حتی قبل از نسل بشر امروزی و در بین انسان های امروزی و تعامل بین آنها و رسمیت بخشید به این موضوع بصورت اختلاط جنسیتی | ۱۳،۵۶،۴،۷،۱۱،۲، |
| ۴ | تداعی مثبت ایجاد کردن در موردانسانها یا قهرمانان بیگانه | ۸ |
| ۵ | حمایت بیگانان از بشر و پیش بینی شناسایی و کشف ناشناخته ها در آینده | ۷،۱۰ |
| ۶ | وجود بیگانگان در قالب انسان | ۱۱ |
| ۷ | تقدس زدایی از ادیان الهی | ۱۲ |

فهرست منابع

- Pearson CS (1998). *The Hero Within: Six Archetypes We Live By* New York: Harper Collins.
- Ghisi ML (2006). Transmodernity and transmodern tourism. Keynote at the 15th Nordic Symposium in Tourism and Hospitality Research: Visions of Modern Transmodern Tourism. 19th – 22nd of October, Savonlinna, Finland.
- Ghisi ML (2008). *The knowledge society a breakthrough toward genuine sustainability*. Cochin: Arunachala Press, 114 p.
- Ghisi ML (2010). Towards a Transmodern Transformation of our Global Society: European Challenges and Opportunities. *Futures Studies*; 15(1): 39-48.
- Ateljevic I (2008). Transmodernity, changing our (tourism and hospitality) world? Available at: <http://www.nztri.org/node/236> Date of access: 23 March, 2010.
- Ateljevic I (2011). Transmodern critical tourism studies: a call for hope and transformation. *Tourismo em analise*, 22(3):497-515.
- Ateljevic I (2012). Can transmodern tourism help change the world? Presentation at UHPA Conference "Sustainability for competitiveness in tourism. Zagreb, 22-23 November: 65.
- Ateljevic I (2013). Transmodernity: integrating perspectives on societal evolution. *Futures*, 47: 38-48.
- Ateljevic I (2013). Visions of transmodernity: a new renaissance of our human history. *Integral review*, 9(2): 200-219.
- Drycker P (1993). *Post capitalist society*. New York: Harper Collins publishers: 232
- Ghisi ML (2007). The European Union in a time of world transformation. EU workshop•syllabus, April 14-15: 1-35.
- Granskog JE (2003). Spirit matters: an exploration of shamanic techniques to استوری، جان (۱۳۸۹). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران: نشر آگه.
- بشیر، حسن، چاپکی، رامین، مهربانی فر، حسین (۱۳۹۰). بیداری اسلامی و ایران هراسی: تحلیل گفتمان مطبوعات غربی، صفحه ۶۴-۶۵.
- میرفخرایی، تژا (۱۳۸۳). فرآیند تحلیل گفتمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- بشیر، حسن (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای تحلیل ناگفته‌ها، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- بشیر، حسن (۱۳۹۰). رسانه‌های بیگانه: فرائتی با تحلیل گفتمان. تهران: انتشارات سیمای شرق.
- جوادی یگانه، محمدرضا و هاتفی، حمیده (۱۳۸۷). فصلنامه «پوشش زن در سینمای پس از انقلاب اسلامی». انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، س ۴، ش ۱۱.
- یونگ، کارل گوستاو و همکاران (۱۳۵۲). انسان و سمبول‌هایش (ترجمه ابوطالب صارمی)، تهران: امیرکبیر.
- Magda RMR (2004). *Transmodernidad*, Barcelona, ES: Anthropos.
- Luyckx M (1999). The transmodern hypothesis: towards a dialogue of cultures, 971–982
- Ateljevic Irena (2013). "Visions of Transmodernity: A New Renaissance of our Human History?" *Integral Review*, Vol.9, No.2.
- Cole M (2008). Psychology Press, p: 68
- Ray PH (2008). The potential for a new, emerging• culture in the U.S. Chapter 2: The Cultural Creatives. Report on the 2008 American value survey.
- Middendorf B (1999). *Cultural Creatives: Cultural Creatives making a difference for the future*, Conscious Choice, January Edition.

- "peace", *The Japanese Journal of American Studies*. 20.
- Paul H (1996). "The Rise of Integral Culture" (edited version), 37: 04.
- transform the environment. *Flagstaff, AZ: Southwestern anthropological association newsletter*, 44(2): 22-26.
- Inayatullah S (2005). Spirituality as the fourth bottom line? *Futures*, 37(6): 573-579.
- Kale SH (2005). Spirituality, religion, and globalization. *Journal of Macromarketing* 24(2), 92-107.
- Kapoor R (2010). Signs of emerging planetary transformation. *Futures*, 42: 1035-1039.
- Pritchard A, Morgan N, Ateljevic I (2011). Hopeful tourism: a new transformative perspective. *Annals of tourism research*, 38(3): 941-963.
- Rifkin L (2005). *The European dream: how Europe's vision of the future is quietly eclipsing the American dream*. New York, Penguin: 448
- Rodriguez MR (2004). Globalization as transmodern totality. Translated: Chapter 1 of *Transmodernidad*. Barcelona: *Anthropos*. <http://transmodern-theorv.blogspot.com/> Date of access: 17 November.
- Koenig HG, McCullough ME, Larson DB (2011). A history of religion, science and medicine. In: Koenig, HG, McCullough, ME, Larson, DB, editors. *Handbook of religion and health*. New York (NY): Oxford University Press; Chapter 2: 24-49
- Brugger B, Hannan K (1983). *Modernisation and revolution*, London: Croom Helm: 60.
- Dussel E (2002). World-system and "trans"-modernity. *Nepanthia: Views from the South*, 3(2): 221-244.
- Inayatullah S (2005). Spirituality as the fourth bottom line, *Futures*, 37(6): 573-579.
- Attwood S (2014). *A Future to Pine for Transmodernist Movement in Japan*. [Dissertation]: School Of Social Science University Of Adelaide.
- Takanashi Y (2009). Emerson and Zhu Xi: the role of the "scholar" in pursuing